

نقش جهانی شدن در توسعه فرهنگی ایران

احمد جهانی نسب^۱

چکیده

جهانی شدن بیش از دو دهه است که چه در حوزه اقتصادی و سیاسی و چه در حوزه فرهنگی و اجتماعی بعنوان یکی از موضوعات اصلی در میان کشورها و صاحب‌نظران تبدیل شده است و همزمان با مطرح شدن آن، چالش‌هایی هم در مجامع رسمی و علمی با خود به همراه داشته است. تأثیراتی که جهانی شدن در تمامی حوزه‌ها با خود دارد، موجب تفاسیر متفاوت و متعاقب آن موافقان و مخالفان بسیاری شده است. یکی از این حوزه‌ها که موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، تأثیرگذاری جهانی شدن بر حوزه فرهنگی کشورها است که طبیعتاً ایران نیز از این قاعد مستثنی نیست. اما اینکه تا چه حد می‌توان این تأثیرگذاری را در حوزه فرهنگی ایران مثبت یا منفی ارزیابی کرد و چالش‌ها و فرصت‌های آن را در کشور مشخص ساخت، موضوع بحث مقاله می‌باشد. به نظر می‌رسد در عرصه فرهنگ نیز جهانی شدن دارای مولفه‌هایی است که باید مشخص گردد و از فرصت‌های آن در جهت توسعه فرهنگی ایران استفاده شود. در این نوشتار سعی شده تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از گردآوری اطلاعات و داده‌ها بصورت کتابخانه‌ای یا اسنادی، نقش جهانی شدن بعنوان یک روند فراگیر و گسترده در توسعه فرهنگی ایران مورد بررسی قرار گرفته و به مولفه‌های آن اشاره شود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، توسعه فرهنگی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ایران

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مدرس دانشگاه پیام نور استان مازندران mehرداد.jahaninasab@gmail.com

مقدمه

جهانی شدن وجوه مختلفی دارد و ابعاد و مولفه‌های گوناگونی را می‌توان برای آن برشمرد. یکی از این وجوه مهم، نقش آن در توسعه فرهنگی کشورها است. جهانی شدن فرآیندی است که در آغاز هزاره سوم میلادی موضوع مباحث داغ و پرشور محافل علمی و تخصصی شده و جهان را در بر گرفته و با وجود تأثیرات مثبت و منفی و همچنین نظرات موافقان و مخالفان‌اش بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری تأثیرات شگرفی داشته و در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تغییراتی نیز ایجاد کرده است. بدیهی است هیچ کشوری نمی‌تواند این روند را انکار کرده و خود را از تبعات و تأثیرات آن محفوظ نگه داشته و دور خود حصار بکشد. حتی مخالفان این روند نیز در حال اظهارنظر و نقد آن، بطور ناخواسته در مسیر جهانی شدن قرار دارند و از آن حرکت تأثیر می‌پذیرند.

از اواخر قرن بیستم کمتر مقوله‌ای در حوزه علوم اجتماعی وجود داشته که بگونه‌ای با موضوع جهانی شدن مربوط نشده باشد. در حوزه اقتصاد و تجارت که همه مباحث به نوعی به فرایندهای جهانی مربوط می‌شود، در حوزه سیاست که از رژیم‌های جهانی امنیتی و بسط جهانی حقوق بشر و دموکراسی یا چالش‌های جهانی مانند بنیادگرایی، تروریسم و محیط زیست صحبت می‌شود و در حوزه فرهنگ که سخن از درهم آمیختگی هویت‌های محلی و جهانی است و همچنین با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز بسط جهانی هنرها و الگوهای فرهنگی خاص، درک و فهم پدیده‌های فرهنگی پیوند عمیقی با روند جهانی شدن داشته است (سلیمی، ۲۰۱۳: ۹۲). جهانی شدن بعنوان یک روند چندبعدی تمامی بخش‌های عرصه بین‌الملل را تحت سیطره خود قرار داده که یکی از این بخش‌ها که موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، حوزه فرهنگی کشورها است. در واقع تمامی اعضا و اجزای نظام بین‌الملل به نوعی تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار دارند. به همین منظور مهمترین بحثی که کشورها در برخورد با این روند با آن مواجهه هستند این است که جهانی شدن بر هویت اجتماعی و فرهنگی ملل دیگر چه تأثیراتی دارد.

در این نوشتار، ابتدا به مفهوم جهانی شدن، پیشینه تاریخی و مختصات و مولفه‌های آن پرداخته و سپس نقش این فرایند را در توسعه فرهنگی ایران مورد مذاقه قرار می‌دهیم. البته برای دستیابی به این هدف باید بدانیم چه تعاریفی از جهانی شدن، فرهنگ و مشخصات آن و همچنین هویت ملی ایران داریم. در این مقاله با روش توصیفی از طریق گردآوری اطلاعات و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی به «نقش جهانی شدن در توسعه فرهنگی ایران» پرداخته شده است.

چارچوب نظری

۱- مفهوم جهانی شدن

اصطلاح جهانی شدن را به اشکال گوناگون و با تفاسیر مختلفی تعریف کرده‌اند. این مفهوم پس از تأسیس سازمان تجارت جهانی بیشتر از جنبه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. اما برخی از صاحب‌نظران نیز جهانی شدن را از بعد سیاسی و فرهنگی آن مورد بررسی قرار دادند. فارغ از اینکه جهانی شدن را از بعد اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی تعریف کنیم، باید گفت که ریشه و مبنای لغوی آن برگرفته از واژه global به معنای سراسری، کلی و جهانی است. پس جهانی شدن در نگاه نخست، فراگرفتن و گسترده شدن کل دنیا و سراسر جهان و تأثیرگذار شدن بر آن است.

اما آن چیزی که هم در معنای باستان و هم در ریشه لغوی global مشترک است، این است که این اصطلاح برای کلیت فراگیر و به هم پیوسته جهان بشری بکار می‌رود؛ زمانیکه تمامی جهان بعنوان پدیده یگانه‌ای شناخته می‌شود و می‌توان آن را به مثابه یک کل یا یک موجود به هم پیوسته دید. به همین دلیل نیز globalization به جهانی شدن ترجمه می‌شود. آنگونه که مارتین آلبرو توضیح می‌دهد، پسوند ization زمانی بکار می‌رود که یک فرایند و دگرگونی اساسی در حال انجام است (همان، ۳).

۳۱

مک‌گرو در خصوص جهانی شدن چنین می‌گوید: «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و در نتیجه فراتر از جوامع دامن می‌گسترند و نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین در برداشته باشد» (اخترمحققی، ۱۳۸۶: ۱۶). عده‌ای از جهانی شدن اقتصادی صحبت به میان می‌آورند و آن را از بعد اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌دهند. به عقیده آنها جهانی شدن اقتصادی حرکت تازه‌ای نیست و قدمت طولانی دارد. زمانیکه کشورهای توسعه یافته به فکر توسعه فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در اقصی نقاط جهان افتادند که این روند با پیشرفت فناوری و سیاست‌های آزادسازی اقتصاد تسریع شد. البته که جهانی شدن اقتصادی نیز دارای ویژگی‌هایی نیز هست که می‌توان به آن اشاره کرد.

مهمترین ویژگی‌های جهانی شدن اقتصادی، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین‌المللی فعالیت‌های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فزاینده قدرت شرکت‌های فراملیتی و نهادهای ملی بین‌المللی در این فرایندها است در حالیکه جهانی شدن اقتصادی به ویژه با تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری فزاینده در چند کشور فرایندی نابرابر می‌باشد، اما تقریباً همه کشورها بطور چشمگیری تحت تأثیر این روند قرار گرفته‌اند (خور، ۱۳۸۹: ۷). اما افرادی نیز مانند آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معروف انگلیسی هستند که جهانی شدن را

در بستر مدرنیته معنا کرده و مدرنیته را پیش‌شرط و مقدمه جهانی شدن می‌دانند. گیدنز جهانی شدن را صرفاً پدیده اقتصادی ندانسته و آن را تغییر شکل زمان و مکان تفسیر می‌کند؛ چرا که ذات مدرنیته را بعنوان مقدمه جهانی شدن، رهایی از قید مکان و بسط و گسترش فرامکانی می‌داند.

گیدنز در تبیین جهانی شدن می‌نویسد: «جهانی شدن حاصل برهم خوردن نظم سنتی فضا و مکان است که بواسطه جدایی فضا و زمان از مکان پدید می‌آید. این فضا و زمان جدا شده از مکان، در گستره‌ای نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ شده، امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگ‌تر فراهم می‌کند.» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۵۱).

مفهوم جهانی شدن در فرهنگ علوم اجتماعی «نلسون» اینگونه تعریف شده است: «جهانی شدن عبارتست از روند گسترده بین‌المللی شدن ارتباطات و سازمان‌های اقتصادی و تجاری که در حوزه اقتصاد آن را می‌توان در موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و افزایش گسترده میزان تجارت بین‌المللی و رشد وابستگی متقابل بررسی کرد» (ساعی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۴). عده‌ای نیز جهانی شدن را فرایندی می‌دانند که در آن نهادهای اصلی تجدد غرب مانند لیبرالیسم، آزادی تجارت و اقتصاد بازار آزاد، نوع و شکل حکومت، سکولاریسم، صنعت-محوری و گسترش ارتباطات و ... به سراسر جهان کشیده می‌شود و جوامع را در همه ابعاد تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان عده‌ای جهانی شدن را پروسه می‌دانند که بطور خودکار در حال شدن است و بعنوان روندی همه‌گیر جهانی را در بر گرفته است و عده‌ای دیگر آن را پروژه دانسته که توسط کشورهای سرمایه‌داری و منفعت‌طلب، طراحی شده و به کشورهای دیگر تحمیل و اشاعه داده می‌شود.

به نظر می‌رسد پیامدهای جهانی شدن در حوزه فرهنگ، هویت، ارزش‌ها و روابط اجتماعی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است که باعث ایجاد هویت‌های جمعی، خودآگاهی‌های سیاسی جدید، روابط بین‌ذهنی و فضای جدیدی از روابط فرهنگی و اجتماعی می‌شود و نزدیک شدن اذهان به سیال شدن هویت‌ها می‌انجامد. نکته بسیار مهمی که در تعریف جهانی شدن باید به آن توجه کنیم، زاویه دید پژوهشگران در تعریف مفهوم جهانی شدن است که از منظر اقتصاد سیاسی و یا سیاست بین‌الملل و یا از منظر فرهنگ و تمدن آن را تعریف می‌کنند (اشرف نظری و باقری، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۷). در مجموع جهانی شدن فرایندی است که بواسطه آن تعامل میان جوامع و دولت‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌تر و متراکم‌تر گردیده است. بگونه‌ای که تغییر در بخش‌هایی از جهان موجب تغییر و اثرگذاری در دیگر بخش‌های جهان در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی می‌گردد. یعنی جهانی شدن موجب نوعی رابطه متعامل بین مرجع‌های فردی و ملی با مرجع‌های فراملی و جهانی گردیده است (لطفی و نادمی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

از آنجا که در این مقاله تأکید ما بیشتر بر روی نقش این روند بر توسعه فرهنگی کشور است، تمرکز اصلی بر فهم مولفه‌های فرهنگی و هویتی جهانی شدن می‌باشد. این فرایند بصورت مداوم و مستمر در جریان بوده و

تمامی ابعاد زندگی انسان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در سطح فرهنگی، جهانی شدن پلورالیسم را به مبارزه می‌طلبد و چالش‌هایی را پیش‌روی کثرت‌گرایی و ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کند.

۲- پیشینه تاریخی، مشخصات و مولفه‌های جهانی شدن

اصطلاح جهانی شدن مانند هر مفهوم دیگری در علوم انسانی دارای یک پیشینه تاریخی و مولفه‌هایی است که در این بخش به آن می‌پردازیم. توضیح در مورد پیشینه تاریخی و مکتب‌های فکری در زمینه آن می‌تواند برای فهم بهتر و عمیق‌تر این مفهوم پویا و البته پرچالش سودمند باشد. در این مقاله از بعد پیشینه تاریخی سه مرحله را برای جهانی شدن تعیین کرده و به عصر حاضر می‌رسیم.

از منظر تاریخی جهانی شدن سه مرحله اصلی را پشت سر گذاشته است:

مرحله اول جهانی شدن: که از حدود سال ۱۸۷۰ تا شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) را شامل می‌شود که پیشرفت‌های سریعی در ارتباطات راه دور از طریق تلگراف و حمل‌ونقل دریایی و ریلی اتفاق افتاد که زمینه مناسب ادغام بازارهای سرمایه را در سطح منطقه‌ای فراهم نمود و مهاجرت‌های بی‌سابقه‌ای به وقوع پیوست و کشورهای استعماری در اوج قدرت خود، از این تحولات سود سرشاری می‌بردند و همین کشورها نیز موجد برخی از این پیشرفت‌ها بودند.

۳۳

مرحله دوم جهانی شدن: از سال ۱۹۱۴ مصادف با شروع جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ جهان در تبوتاب دو جنگ خانمان‌سوز و گرایش‌های افراطی ناسیونالیستی بین دو جنگ بود که بیش از ۳۰ سال در روند جهانی شدن وقفه ایجاد کرد. مرحله دوم جهانی شدن، پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی آغاز شد و تا دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت. بستر این دوره از جهانی شدن در کنفرانس بروتون وودز^۱ در سال ۱۹۴۴ فراهم شد که تمهیدات متفقین پیروز جنگ به رهبری آمریکا، دلار را تبدیل به ارز مسلط بین‌المللی نمود که در تمام بازارهای سرمایه و ارز جهان پذیرش یافت و به جهانی شدن ارز و سرمایه مدد رساند و از سوی دیگر با تأسیس نهادهایی نظیر موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۲ و صندوق بین‌المللی پول^۳ مسیر جهانی شدن فراهم گردید.

مرحله سوم جهانی شدن: این مرحله از دهه ۱۹۷۰ و پایان روابط پولی و ارزی برپایه توافقات بروتون وودز آغاز شد که تاکنون ادامه دارد. این مرحله با قدرت‌یابی اقتصادی کشورهای آسیایی مانند چین، ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، تایوان و هنگ‌کنگ و ادغام اقتصاد آنها در اقتصاد جهانی و نیز فروپاشی شوروی

^۱ Bretton Woods Conference

^۲ General Agreement on Tariffs and Trade

^۳ International Monetary Found (IMF)

سوسیالیستی و تأسیس اتحادیه اروپا همراه شد و با پیشرفت بسیار سریع فناوری اطلاعات از طریق ماهواره و اینترنت و کاهش چشمگیر هزینه حمل‌ونقل کالاها و انتقال سرمایه، دانش و کاهش موانع تجاری میان کشورها سرعت گرفت (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸). اما در باب کنفرانس پروتون وودز باید گفت که این کنفرانس در ژوئیه ۱۹۴۴ با هدف تعیین ساختار و نظم اقتصادی جهان بعد از جنگ جهانی دوم براساس سیستم اقتصاد آزاد جهانی شکل گرفت. این سیستم اقتصادی جهان در دوره بعد از جنگ براساس دیدگاه‌ها و نظرات «هری وایت» از سوی ایالات متحده آمریکا و «جان مینارد کینز» از انگلستان بنیان نهاده شد.

حرکت جهانی شدن در دو سطح می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد: سطح اقتصادی و سطح سیاسی- فرهنگی. جهانی شدن اقتصادی شامل بین‌المللی شدن نظام تولید، آزادسازی و پیشرفت نظام اقتصاد بازار است. جهانی شدن سیاسی و فرهنگی می‌تواند در ترویج حقوق بشر، هویت ملی/منطقه‌ای/فردی، مردم‌سالاری و حکمرانی خوب مشاهده شود. این دو سطح متفاوت جهانی شدن، تغییرات نظام جهان فعلی را شتاب می‌بخشد (Nishikawa, 2001:1). تأثیرگذاری روزافزون و فزاینده جهانی شدن در تمامی مسائل عرصه حیات بشری در مقیاس جهانی نشان دهنده نقش مهم این فرایند در گستره جهانی است که برای درک عمیق‌تر و برخورد خردمندانه و عقلایی با این روند، باید به مشخصات و ویژگی‌های آن نیز توجه شود که در این قسمت بطور خلاصه به چند مورد از آن اشاره خواهیم داشت.

۳۴

شواهد و دلالت‌های فراوانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان وجود دارند که بیانگر تحقق و گستردگی فرایند جهانی شدن هستند. مهمترین این شواهد را می‌توان در این موارد مطرح نمود:

گسترش بازارهای مالی و بورس جهانی، شکل‌گیری تجارت الکترونیکی یا اقتصاد بدون مرز، گسترش نقش و نفوذ شرکت‌های چندملیتی، بین‌المللی شدن فرایند تولید (تولید جهانی) که بواسطه آن بخش‌های زیادی از جهان در تولید یک کالا ایفای نقش می‌کنند، کاهش موانع تعرفه‌ای در امور تجاری، شکل‌گیری اتحادیه‌های تجاری و اقتصادی، کاهش نقش و اقتدار دولت‌ها، بسط و گسترش ارزش‌های دموکراتیک، توجه به حقوق بشر و جامعه مدنی جهانی، گسترش عمومیت‌های فرهنگی و محصولات فرهنگی، گسترش سازمان‌های غیردولتی فراملی، شکل‌گیری جنبش‌های جهانی چون مبارزه با آلودگی‌های زیست محیطی و سلاح‌های کشتار جمعی، شکل‌گیری الگوهای مصرف جهانی، وابستگی متقابل جوامع و کشورها نسبت به یکدیگر، گسترش صنعت جهانگردی، شکل‌گیری ارتباطات و نظام رسانه‌ای جهانی، جریان آزاد اطلاعات، شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها، بازشناسی در سطوح قومی، ملی و منطقه‌ای، تشدید نابرابری‌های بین جامعه‌ای، جهانی شدن بزهکاری‌ها، جهانی شدن اعتیاد و جهانی شدن پولشویی و رانت‌خواری (لطفی و نادمی، پیشین: ۱۲۵-

تصور می‌شد که جهانی شدن منافع بی‌سابقه‌ای برای همه به ارمغان خواهد آورد. اما با کمال تعجب، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه با بدگویی و توهین روبرو شده است. آمریکا و اروپا با تهدید منبع‌یابی بیرونی مواجه است؛ کشورهای در حال توسعه متوجه شده‌اند که کشورهای صنعتی پیشرفته از نظام جهانی علیه آنان استفاده می‌کنند. در هر دوی این کشورها مردم شاهدند که منافع شرکت‌ها به زیان سایر ارزش‌ها به پیش برده می‌شود (استیگلیتز، ۱۳۹۳: ۳۳۱). تمامی این تأثیرات در عرصه جهانی فارغ از مثبت یا منفی بودن آن، خود حاکی از گستردگی و همه‌گیر شدن جهانی شدن در تمامی حوزه‌ها دارد. به همین منظور برای درک بهتر و عمیق‌تر مفهوم پیچیده جهانی شدن باید به نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف در این عرصه پرداخت که گفتار دوم مقاله به این مهم اختصاص داده شده است.

نگرش‌های مختلف در باب جهانی شدن

دشواری طبقه‌بندی نظریه‌ها در مورد جهانی شدن همانند تعریف این مفهوم پیچیده است. جهانی شدن بعنوان فرایندی که در سطوح گسترده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع را تحت‌الشعاع خود قرار داده از جمله موضوعاتی است که بدلیل ارائه تعاریف و دیدگاه‌های متفاوت، بحث برانگیز بوده و مورد مناقشه است. در واقع هر یک از نظریه‌پردازان از دریچه نگاه خود به این موضوع نگرسته و برداشت‌های متفاوتی را ۳۵ از آن دادند. در این قسمت از نوشتار برای فهم بهتر مفهوم جهانی شدن، بصورت ایجاز به بررسی چهار نگرش لیبرالیستی، رئالیستی، مارکسیستی و جامعه‌شناختی می‌پردازیم:

۱- **لیبرال‌ها:** از دیدگاه این نگرش، لیبرالیسم و اشاعه و جهان‌شمولی الگوی لیبرال دموکراسی را جوهره جهانی شدن دانسته و از جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و بازارهای مالی و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری سخن می‌گویند. لیبرال‌ها جهان‌شمولی تدریجی حکومت دموکراسی و حقوق بشر را بعنوان یکی از شاخص‌های جهانی شدن می‌دانند. آنها توأمان جهانی شدن را هم از بعد اقتصادی و هم از بعد سیاسی و فرهنگی می‌نگرند که به برخی از این نظریه‌پردازان اشاره می‌کنیم:

الف) دیوید هلد، مک‌گرو: نظریه دگرگونی جهانی در تمامی حوزه‌ها؛

ب) کوهن، جوزف‌نای: نظریه وابستگی متقابل (پیچیده) دهه ۱۹۷۰؛

ج) کنیچی اوهمای: جهان بدون مرز و پایان دولت-ملت‌ها در دهه ۱۹۹۰؛

د) فوکویاما: پایان تاریخ و پیروزی لیبرال دموکراسی.

۲- **رئالیست‌ها:** هرچند با نگرش جهانی شدن همخوان نیستند، ولی اکثر متفکران واقع‌گرا و نوواقع‌گرا زمانیکه به آن می‌پردازند، آن را به بوته نقد قرار می‌دهند. آنها دولت-ملت‌ها را همچنان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل

دانسته و رفتار دولت‌ها را تابع ساختار نظام بین‌الملل می‌دانند و معتقدند که دولت‌ها بدنبال افزایش قدرت نظامی خویش‌اند و در نظام بین‌الملل که جنبه آنارشیک دارد، در حال رقابت و منازعه با یکدیگرند. آنها بیش از آنکه به جهانی شدن اعتقاد داشته باشند، به بین‌المللی شدن معتقد هستند و با دید تردیدآمیز به جهانی شدن می‌نگرند و آن را اغراق‌آمیز می‌دانند. در تحلیل رئالیست‌ها آن چیز که بیش از همه مورد تأکید قرار می‌گیرد در واقع نقش دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل است. به برخی از نظریه‌پردازان در این حوزه اشاره می‌کنیم:

الف) کنت والتز: واقع‌گرایی نو و تردید در مورد جهانی شدن؛

ب) رابرت گیلپین: نو واقع‌گرایی و نظریه ثبات هژمونیک؛

ج) استفان کراسنر: تأکید بر حاکمیت و رژیم‌های بین‌المللی؛

د) تامپسون و هرست: تردید در مورد جهانی شدن به ویژه بعد اقتصادی آن.

۳- مارکسیست‌ها (نگرش انتقادی): این گروه واقعیت این پدیده (جهانی شدن) را انکار کرده بلکه آن را تجلی و توسعه نظام سرمایه‌داری می‌دانند. نظامی که جهان را به دو قطب استثمار کننده و استثمار شونده تقسیم می‌کند. آنها بیشتر با نگرش چپ‌گرایانه به جهانی شدن نگاه می‌کنند و آن را ابزاری در دست نظام سرمایه‌داری می‌دانند. به برخی از نظریه‌پردازان در این نگرش اشاره می‌شود:

۳۶

الف) سمیر امین: سرمایه‌داری استثمارگر در لوای جهانی شدن؛

ب) والرشتاین: نقد جهانی شدن در قالب نظام جهانی (مرکز، پیرامون و شبه‌پیرامون)؛

ج) هابرماس: بحران مشروعیت و بحران در دولت مدرن.

۴- جامعه‌شناخت‌ها: این نگرش جهانی شدن را به مثابه تحول در ماهیت روابط اجتماعی می‌داند. آنها جهانی شدن را در بطن و جوهره پدیده‌ها و روابط اجتماعی و تغییر بنیادهای زندگی اجتماعی می‌دانند و پایان تفکیک‌های کلاسیک میان دانش‌های مختلف. به برخی از نظریه‌پردازان با نگرش جامعه‌شناختی به جهانی شدن اشاراتی می‌شود:

الف) گیدنز: بسط و گسترش جهانی شدن و فشردگی زمان و مکان؛

ب) رولند رابسون: نگرش متفاوت به جهانی شدن و آگاهی نو؛

ج) مارتین آلبرو: نظریه عصر جهانی و پایان مدرنیته؛

د) مالکوم واترز: چهره جدید و جهانی زندگی انسان.

نقش جهانی شدن در توسعه فرهنگی ایران

۱- جهانی شدن فرهنگی

با وجود تأثیرات فرایند جهانی شدن بر روی حوزه‌های مختلف زندگی بشر و همچنین مخالفان و موافقان با آن، نمی‌توان به راحتی از کنار جهانی شدن فرهنگی و پیوند فرهنگ‌ها و هویت‌ها در بین جوامع عبور کرد. گرچه جهانی شدن مخالفان زیادی دارد که آن را عامل نابرابری، نابودی و تخریب محیط زیست، به مخاطره افتادن هویت ملی و از خود بیگانگی فرهنگی می‌دانند اما جای بسی تأمل دارد که این روند، هیچ نقشی در توسعه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و البته فرهنگی جوامع نداشته باشد. با پیدایش دولت-ملت‌ها و تعیین و حدود و ثغور مرزها، اهمیت هویت ملی و فرهنگی جوامع و استقلال و امنیت آنها، بیشتر احساس شده است. بعضی از جوامع در برابر این فرایند جهانی و همه‌گیر، از فرهنگ و هویت خود به سختی دفاع کرده و خود را همسو با آن نمی‌دانند؛ در مقابل، برخی دیگر از جوامع از این فرایند جهانی در حوزه فرهنگ متعادل‌تر با آن برخورد کرده و ظرفیت‌های فرهنگی خود را در راستای جهانی شدن فرهنگی می‌دانند.

فرهنگ در عصر جهانی شدن نیز با مولفه‌ها و شاخص‌های معینی مشخص می‌شود. جهانی شدن فرهنگ مانند دیگر حوزه‌های جهانی شدن دارای ویژگی‌هایی است. شاید بتوان گفت که جهانی شدن فرهنگ ملت‌ها و جوامع با رشد و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات رابطه مستقیم دارد. به بیانی دیگر، رشد فناوری‌های جدید ارتباطات و تبادل اطلاعات در همه عرصه‌ها منجر به تسریع در روند جهانی شدن فرهنگی شده است. رسانه‌ها در چنین فضایی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در واقع بخش یا بهتر است بگوییم بخش بیشتری از انتقال فرهنگی در عصر جهانی شدن از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود. این مهم یعنی انتقال فرهنگ‌های متفاوت برعهده رسانه و شبکه‌های ارتباطی است.

جریان‌های جهانی فرهنگی بوسیله شرکت‌های رسانه‌ای قدرتمند بین‌المللی مدیریت می‌شوند که از آخرین فناوری‌های ارتباطی برای شکل دادن به جوامع و هویت‌ها استفاده می‌کنند. تصاویر و ایده‌هایی که به راحتی و به سرعت در سراسر جهان ارسال می‌شوند عمیقاً بر شیوه زندگی افراد روزمره تأثیر می‌گذارد. فرهنگ دیگر با یک مکان ثابت مرتبط نیست، اما معانی جدیدی را به وجود می‌آورد که منعکس کننده موضوعات برجسته در یک زمینه جهانی می‌شود. این جهانی شدن فرهنگی، ارزش‌ها و هویت‌های محلی را به چالش می‌کشد، زیرا این ارتباط فرهنگ را به یک محل ثابت از پایه خراب می‌کند (Ardalan, 2009: 25).

نقش رسانه‌های جمعی در جهانی شدن فرهنگ مسئله بحث برانگیز در نظریه ارتباطات و تحقیقات بین‌المللی است. نظریه‌های اولیه رسانه تأثیر می‌گذارد، معمولاً بعنوان «گلوله جادویی» یا «سوزن زیرپوستی» به آن

اشاره شده است. کم‌کم این رسانه‌های جمعی اثرات نیرومندی روی مخاطبان و شنوندگان دارد (M.Kraidy, 2002:359).

بعضی معتقدند که کل فرایندهای جهانی تحت تأثیر حیرت‌انگیز و جهان‌شمولی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. آنچه در حوزه رشد اقتصاد و تجارت دیده می‌شود یا تحولاتی که در حوزه سیاست و امنیت اتفاق افتاده است، در اثر رشد فزاینده بهره‌گیری از اینترنت و ماهواره و ایجاد فضای مجازی جدیدی است که انسان‌ها را از طریق رایانه شخصی و یک خط تلفن با تمامی دنیا مرتبط کرده و میلیون‌ها نشانه، اطلاعات، فرصت و مخاطره جدید در اختیار آنان قرار می‌دهد. این وضعیت جدید هم امکان مبادلات و فعالیت‌های جدید اقتصادی را پدید می‌آورد و هم هویت‌ها، وفاداری‌ها، ناامنی‌ها و پیوندهای سیاسی جدیدی را ایجاد می‌کند. در حالیکه صداها کانال تلویزیونی ماهواره‌ای در تمامی نقاط جهان دریافت می‌شود، فرهنگ‌ها از طرق گوناگون امکان مبادله و تعامل بیشتری می‌یابند و هویت‌های فرهنگی نیز دستخوش دگرگونی می‌شود (سلیمی، پیشین: ۱۵). در عصر جهانی شدن و با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیک، انسان‌ها براحتی می‌توانند در اقصی نقاط دنیا از طریق اینترنت و ماهواره و وسایل ارتباطی دیگر با یکدیگر مرتبط بوده و تبادل اطلاعات کنند. به همین منظور فرهنگ‌های مختلف به هم پیوند یافته و شناخت بیشتری نسبت به اندیشه‌ها، ارزش‌ها و شاخص‌های فرهنگی خود پیدا می‌کنند. دیگر در چنین فضایی، نمی‌توان امید چندانی به جبهه‌گیری و مقابله در برابر این روند جهانی و گسترده با هدف حفاظت از هویت ملی و فرهنگی داشت.

۳۸

مرحله کنونی جهانی شدن فشرده‌سازی بی‌سابقه‌ای از زمان و فضا با تشدید عظیم ارتباطات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و وابستگی‌های متقابل در سطح جهانی است. اما مردم به طریق مختلف جهانی شدن را تجربه می‌کنند. جهانی سازی ثروت و فرصت‌های عظیمی را برای اندکی دارای ممتاز فراهم می‌کند، در حالیکه بسیاری به شرایط فقر و ناامیدی عمیق رسیده‌اند. جهانی شدن هر دو ویرانگر بزرگ و خالق نیرومند ایده‌ها، ارزش‌ها، هویت‌ها، شیوه‌ها و جنبش‌های جدید است (Ardalan, Ibid: 23).

فرایند جهانی شدن چنان دنیا را «فشرده» و درهم تنیده است که هیچ واحد اجتماعی نمی‌تواند درهای خود را به روی جریان‌ها و شبکه‌های جهانی ثروت، قدرت و اطلاعات ببندد. حتی استوارترین مرزهای طبیعی، سیاسی و فرهنگی نیز فرو ریخته، دگرگونی، سیالیت و نسبیت جانشین ثبات و قطعیت می‌شود. در برابر این فرایند ادغام‌گرا، همگونی‌آفرین و نسبی‌ساز، تلاش‌هایی برای تثبیت و تقویت مرزهای موجود و حتی احیای مرزهای پیشین صورت می‌گیرد. فرهنگ‌ها و عناصر هویت‌بخش فرهنگی هم واکنش‌هایی از خود نشان می‌دهند. آنها گاهی به ستیز و مبارزه بر می‌خیزند، گاهی تسلیم می‌شوند و گاهی هم به آشتی و همزیستی مسالمت‌آمیز روی می‌آورند (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۱۱). این دو دیدگاه مخالف و موافق در برابر روند جهانی و گسترده جهانی شدن همچنان وجود داشته و بیشتر نیز می‌شود. چیزی که جای تأمل دارد این است که

هرچه فهم عمیق‌تری نسبت به فرایند جهانی شدن داشته باشیم و بتوانیم تعریف درست و واضحی از منافع ملی ارائه دهیم، با مدیریت خردمندانه از منابع داخلی و توانمندی‌ها و پتانسیل‌های درونی می‌توانیم خود را با آن بهتر همراه سازیم. نگاه عقلانی و مثبت می‌تواند در این مسیر ما را یاری کند.

۲- جهانی شدن و توسعه فرهنگی ایران

تحولات جهان از نیمه قرن بیستم تا به امروز شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. باتوجه به پهنا و گستره این تحولات و همچنین نفوذ آن در لایه‌های مختلف جوامع در تمامی ابعاد و جنبه‌های آنکه خود از ویژگی‌های جهانی شدن به شمار می‌رود، منجر به کمرنگ شدن نقش و کارویژه‌های دولت و نهادهای وابسته به دولت شده است. وجود نهادهای غیردولتی و تقویت نهادهای خصوصی مستقل از دولت و ظهور جامعه مدنی قدرتمند در این روند، کشورها را به سمت دولت‌های دموکراتیک سوق داده است. جهانی شدن اثرات متعدد و گوناگونی را بر وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها خواهد داشت که ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در واقع ابعاد مختلف جهانی شدن با هم ارتباط داشته و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن آنها درک درستی نسبت به این پدیده داشت.

۳۹

از نگاه دیگر، امروزه علم و تکنولوژی از عنصرهای تأثیرگذار بر فرهنگ ملی هستند و ماهیت و خصلت جهان شمول دارند. به همین اعتبار پذیرفتنی نیست که کشوری مرزهای خود را به روی دانش و فن و علوم در عرصه‌های مختلف باز کند، ولی مانع از ورود فرهنگ بهره‌گیری از آن شود. مثلاً اتومبیل یک پدیده صنعتی شمال پیشرفته است که تحولی شگرف در عرصه فرهنگ حمل و نقل، شهرنشینی، آداب، عادات، قوانین و هنجارهای کشورهای مصرف‌کننده جنوب فراهم آورده است. تلویزیون و ماهواره نیز از همان مقوله‌اند. کسی نمی‌تواند از مزایا و مواهب یک پدیده، بدون تن دادن به ارزش‌ها و هنجارهای آن بهره‌گیری کند (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۷۱-۲۷۰).

از مهمترین شاخص‌های گفتمان جهانی شدن فشردگی مکان و زمان می‌باشد که شرایط نوینی را فراروی نظام جهانی قرار داده است، مکان‌زدایی و چالش ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی مهمترین دستاورد فضای جدید است که حکایت از چالش و فرسایش ژئوپولیتیک و جایگزینی ژئوکالچر را دارد، به واقع فرهنگ بعنوان قطب نوینی است که منشأ و مبدأ بسیاری از تحولات شده است و آغازی است بر نقش‌آفرینی فرهنگ بعنوان یکی از جلوه‌های قدرت نرم برای رسیدن به هژمونی، با پایان یافتن گفتمان واقع‌گرایانه دوران جنگ سرد جلوه‌های جدید از نقش‌آفرینی فرهنگ هویدا شده است (بای، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

دولت‌های برخی از کشورهای جهانی سوم، جهانی شدن را به حال خود مفید دانسته و برای پیوستن به آن اقدام به تغییرات اساسی در مقررات و قوانین خود می‌کنند. برخی دولت‌ها آن را بعنوان ادامه حیات شوم

سرمایه‌داری مضر و خطرناک به حال طبقات کم‌درآمد جامعه معرفی کرده، از طریق رسانه‌های گروهی و شرکت جستن عوامل‌شان در اعتراضات علیه جهانی شدن با آن مبارزه می‌کنند. دولت‌هایی هم که جریان جهانی شدن نهایتاً به سودشان تمام می‌شود، به بیان فواید آن می‌پردازند و در عمل هم اقدامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جهت تقویت و پشتیبانی آن مبذول می‌دارند. آنچه مسلم است کوشش دولت‌ها به تنهایی در رد و یا تأیید جهانی شدن مثمر‌تر نخواهد بود مگر اینکه مردم و به ویژه بخش خصوصی برای تحقق این امر به حمایت از دولت‌های خود برخیزند (صدرنبوی، ۱۳۸۳: ۶).

مانند هر جای دیگر از جهان در ایران نیز در حال حاضر مخالفت‌هایی با فرآیند جهانی شدن به اشکال مختلف وجود دارد. در واقع جهانی شدن از نگاه مخالفین بعنوان یک روند نابرابر تلقی شده و آن را ابزاری برای رسیدن به امیال امپریالیستی دول قدرتمند به رهبری آمریکا می‌دانند. آنها با این اعتقاد که کشورهای قدرتمند در قالب جهانی شدن درصد نفوذ و تسلط بر کشورهای در حال توسعه هستند، در مقابل آن ایستادگی کرده و درون‌نگر می‌باشند. فرهنگ کشورها نیز در این روند همین وضعیت را دارد. فرهنگ نه تنها دربردارنده هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود. به تعبیر دیگر، فرهنگ به فعلیت رساندن همه خلاقیت‌های بالقوه اجتماع یا جامعه است. در این مسیر، نظام آموزشی یک کشور مهمترین ابزار تبدیل قابلیت‌ها به فعلیت‌ها است.

۴۰

ایران امروز از نظر فرهنگی دستخوش چالش عظیمی با تبعات ناشی از جهانی شدن است. از طرفی دستاوردهای دنیای صنعتی ایران را به حال خود رها نمی‌کند، بلکه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و وجود منابع و ذخائر فراوان اقتصادی مورد طمع جهان سرمایه‌داری است و از طرفی الگوهای فرهنگی برخاسته از آن با تمام وجود خویش نه تنها ایران را در بر گرفته است بلکه آینده‌ای نامعلوم را در برابر آن قرار داده است (توحیدفام، پیشین: ۳۹۰). این پدیده همه‌گیر و جهانی به همراه گسترش فناوری‌های نوین و انفجار اطلاعات و ارتباطات، باعث شده است با وجود مخالفت‌های فراوان، ایران نیز جزئی از دهکده جهانی باشد و در این فضا دچار دوگانگی شود. در واقع در عصر جهانی شدن، فرهنگ‌ها تحت تأثیر سرمایه‌های بین‌المللی و سیستم‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی، نقش و کارکرد خود را کم‌رنگ احساس کرده و شاهد اختلاط فرهنگ‌های مختلف با هم هستند.

همانطور که در بسیاری از ممالک پیرامونی از فرهنگ چیزی جزء مثنی آداب و رسوم سنتی بر جای نمانده است، به نظر می‌رسد در ایران هم این امر فراگیر گردیده است. بازار جهانی معیارها و الگوهای زندگی را برای نسل جوان دستخوش تغییر نموده است؛ اخلاق فردی روز به روز کم اهمیت‌تر می‌شود و سطح انتظارات و توقعات رشد زائدالوصفی پیدا نموده است. اکثریت جوانان ایران تقاضای جدیدی دارند، حتی در روستاها هم توقعاتی مثل جامعه شهری ایجاد گردیده است (همان، ۳۹۱).

یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در پیشرفت جوامع نقش داشته باشد، گشودگی فرهنگی در مقابل ایده‌های دیگر همراه با تمایل و قابلیت جذب و همسان‌سازی آنها در قالب فرهنگ خودی بوده است. جامعه‌ای که حالت دفاعی به خود می‌گیرد، بیشتر به سنت گذشته تکیه دارد و از هرگونه تغییر روی گردان است و جامعه‌ای که از لحاظ فرهنگی به خود اطمینان دارد، گشودگی به تحولات خارجی و نوآوری‌ها را از خود نشان می‌دهد و از آنها بهره بیشتری می‌برد. نگاه ایدئولوژیک داشتن و سیاست انزواطلبی در پیش گرفتن نسبت به پدیده‌های وسیعی مانند جهانی شدن باعث توسعه نمی‌شود. توسعه یک مفهوم کیفی، همه‌جانبه و فراگیر است که نیازمند همکاری تمامی افراد و گروه‌ها نه تنها در داخل کشور بلکه مشارکت و همکاری با جهان است.

ظهور فرهنگی جهانی از ویژگی‌های برجسته جهانی شدن معاصر است. همزمان با گسترش شگرف سرمایه‌داری و سازمان‌های سیاسی فراملی، فرهنگی جهانی در نتیجه توسعه تکنولوژی‌های ارتباطات کامپیوتر و نیز جامعه‌ای مصرفی با چشم‌اندازهای تولیدی و خدماتی خاص خود در حال ظهور است. از سویی قالب‌های فراملی طراحی و معماری و طیف وسیعی از فرآورده‌های فرهنگی فراملی می‌روند تا بخشی از یک فرهنگ جهانی نو را شکل بخشند. فرهنگ جهانی متخصص بسط و گسترش تکنولوژی رسانه‌ها و در حقیقت تحقق رویای دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان است. رسانه‌هایی که مردم سراسر دنیا را از رویدادهای مهم سیاسی، ورزشی و برنامه‌های زیست محیطی و تبلیغاتی (که بی‌امان نوسازی سرمایه‌دارانه را تبلیغ می‌کنند) آگاه می‌سازد. شمار افرادی که وارد شبکه‌های جهانی کامپیوتر می‌شوند روزبه‌روز در حال افزایش است (اختر محقق، پیشین: ۲۹)

درست است که فرهنگ بعنوان یک عامل خاص و ویژه و منطقه‌ای، مردم و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند اما با توجه به این واقعیات در عصر جهانی شدن باید تعریف و نگرش دیگری به فرهنگ داشت. شاید بتوان گفت که ما هنوز در ایران به چنین درک و تعریف جدید و مشخصی از فرهنگ در سایه جهانی شدن نرسیدیم. مهمترین ابزاری که در حوزه فرهنگ جهانی کاربرد فراوانی دارد، رسانه‌ها هستند. استفاده از پیشرفت تکنولوژی و سرعت در انتقال اطلاعات بدون درک عمیق از فضای جهانی شدن امکانپذیر نخواهد بود.

به نظر مک‌لوهان اصل تعیین کننده فرهنگ ما، نه محتوای آن بلکه نقش رسانه‌ای است که فرهنگ از طریق آن منتقل می‌شود. رسانه شامل هر وسیله‌ای برای گسترش مفاهیم است و از این‌رو هم تکنولوژی حمل و نقل و هم تکنولوژی ارتباطات را در بر می‌گیرد (نورایی، ۱۳۸۲: ۸۱).

یکی از مسائل چالش برانگیز و مسأله‌ساز در روند جهانی شدن، مفهوم هویت ملی کشورها است. فرهنگ که شامل زبان، آداب و رسوم، سنن و تاریخ و هنر و البته هویت را نیز در بر می‌گیرد. هویت ملی از مسائل کلیدی و محوری کشورها محسوب می‌شود که شاید بتوان گفت که اهمیت آن در عصر جهانی شدن کمرنگ شده

است. بر این اساس هویت ملی ایران نیز از تاریخ و فرهنگ غنی این کشور نشأت گرفته است. کشور ایران از اقوام مختلفی تشکیل شده است که همین امر موجب پویایی هویت ملی می‌باشد. اقوام مختلفی نظیر کردها، آذری‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و فارس‌ها که همگی هویت ملی را شامل می‌شوند. باتوجه به پویایی فرهنگ ایرانی و تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران در دهه‌های اخیر، مردم ایران درک جامع‌تری از جهان و فرهنگ جهانی و فرهنگ ایرانی‌شان یافته‌اند. این شناخت و آگاهی، بی‌تأثیر از شرایط محیط داخلی و خارجی نبوده است. افزایش رفت‌وآمد شهری و استانی در ایران، مساعد شدن شرایط ارتباط بین حوزه‌های فرهنگی در ایران و اقدام به مسافرت به کشورهای خارجی، استفاده از رسانه‌های جمعی (ملی و بین‌المللی)، گسترش دانش عمومی نسبت به کشورها و فرهنگ‌های دیگر، مشارکت سیاسی و اجتماعی، تغییر در شرایط جهانی و توسعه روابط بین فرهنگی، موجب شده تا مردم ایران، بیشتر خود را در جامعه جهانی تعریف کنند. لذا این فرضیه که در اثر جهانی شدن، شاهد رشد و گسترش هویت‌های قومی و در نتیجه به چالش کشیده شدن هویت ملی در ایران خواهیم بود، به لحاظ نظری و عملی چندان قابل دفاع نیست. چراکه در راستای جریان جهانی شدن و به منظور شناسایی نوع رابطه فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی، می‌توانیم فرض را نه بر جدایی و تمایزپذیری فرهنگی، بلکه بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر در نظر بگیریم. از لحاظ نظری و از میان پارادایم‌های جهانی شدن فرهنگ (پارادایم همسان‌سازی فرهنگی، پارادایم تضاد فرهنگی، پارادایم تلفیق و ترکیب فرهنگ‌ها) پارادایم تلفیق و ترکیب فرهنگ‌ها (پارادایم تعامل بین فرهنگ محله‌ای و منطقه‌ای با فرهنگ جهانی) بیشتر می‌تواند در مورد شرایط جهان معاصر ایرانی مورد استفاده قرار گیرد چراکه باتوجه به اشکالات موجود در مبانی و روش‌های پارادایم تضاد با محوریت اندیشه مارکسی و پارادایم همسان‌سازی با محوریت نظریه‌های مک‌دونالدی شدن نظام جهانی و ارزش‌های جهانی، نظریه رابرتسون و گیدنز با تمرکز عناصر پارادایم تلفیق و تعامل، از اعتبار بیشتری برخوردار است (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

در واقع بحث و بررسی در مورد وضعیت هویت ایرانی در عصر جهانی شدن، بدون توجه به ساختار جامعه جهانی و تفاسیری که از هویت جهانی ارائه می‌شود، بی‌معنی است. فرهنگ ایرانی، امر جالفتاده‌ای از فرهنگ جهانی نیست. در مقابل فرهنگ ایرانی، ضمن تعامل با فرهنگ جهانی، بخشی از آن شده است، این فرهنگ (فرهنگ ایرانی) با حفظ عناصر اصلی‌اش چون اسلام، خانواده، روابط انسانی و نوع دوستی با دیگر فرهنگ‌ها به تعامل می‌پردازد (همان، ۱۰۵). از منظری دیگر، فرهنگ ایرانی، شرایط پیوندزنی با فرهنگ جهانی را دارد که از میان مجموعه عوامل موثر در جهانی شدن جهان ایرانی، می‌توان به میزان استفاده ایرانیان از رسانه‌های الکترونیک، مصرف کالاهای مادی و فرهنگی جهانی، مشارکت در تجارت جهانی و اثرگذاری مهاجرت اشاره

- کرد. اما مهمترین زمینه برای گسترش روحیه و تمایلات جهان‌گرایانه در هویت ایرانی، منشاء تاریخی دارد. در واقع ایران به سبب زمینه‌های ذیل استعداد و توان جهانی شدن را دارا بوده و می‌باشد:
- ۱- موقعیت ارتباطی و شاهراه جهانی بودن و نیز فضا و طبیعت متنوع جغرافیایی و تحرک جغرافیای گسترده و پویایی اقوام ایرانی؛
 - ۲- اشاعه مستمر عناصر فرهنگی ایران به جهان چه در ایران بعد از اسلام و چه در مقطع زمانی ایران باستان؛
 - ۳- در شعر و ادبیات فارسی همواره رویکرد جهان‌گرایانه برجسته بوده است (برای مثال مضامین شعر ایرانی در نزد فردوسی در شاهنامه یا سعدی و مولوی در این خصوص قابل ذکر است)؛
 - ۴- زمینه‌های تاریخی و عینی مدارا در فرهنگ ایران چه در ایران باستان و پس از آن؛
 - ۵- استعداد زبان فارسی و تجارب قبلی درباره جهانی شدن زبان فارسی؛
 - ۶- پرورش دین‌های جهانی و تلفیق‌گرایی مستمر دینی توسط ایرانیان و داشتن روحیه تساهل دینی؛
 - ۷- حاکمیت چنددهزار ساله نظام سیاسی فرامرزی و فراقومی در حوزه فرهنگی ایران؛
 - ۸- بیگانه‌نوازی و بیگانه‌پذیری در رفتار جمعی ایرانیان (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۲۶).
- باتوجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه فرهنگی ایران و دوام و استمرار آن، باید با کمک آن جامعه ایرانی را به سمت فرآیند جهانی شدن سوق داده و با مدیریت صحیح و خردمندانه، بجای تمایز فرهنگ در عصر ۴۳ جهانی شدن به پیوستگی فرهنگی فکر کنیم تا شاهد موفقیت‌های فرهنگی باشیم.

نتیجه‌گیری

مسئله رابطه بین جهانی شدن و فرهنگ و هویت کشورها و یا بهتر بگوییم تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ کشورها از مباحث چالشی و بحث‌برانگیز در محافل آکادمیک در هر کشوری از جمله ایران می‌باشد. چگونگی برخورد با این روند جهانی در هر کشوری متفاوت بوده و همین امر موجب چالش‌های فراوان می‌شود. جهانی شدن دارای ابعاد مختلف و تأثیرگذار فراوانی است. بعضی از جوامع در برابر این فرایند جهانی و همه‌گیر، از فرهنگ و هویت خود به سختی دفاع کرده و خود را همسو با آن نمی‌دانند؛ در مقابل، برخی دیگر از جوامع از این فرایند جهانی در حوزه فرهنگ متعادل‌تر با آن برخورد کرده و ظرفیت‌های فرهنگی خود را در راستای جهانی شدن فرهنگی می‌دانند. در واقع هر کشوری فقط در ارتباط با کشورهای دیگر در عرصه بین‌الملل و با تولید ثروت می‌تواند هویت خود را حفظ و یا اشاعه و گسترش دهد.

باتوجه به اینکه ما در این مقاله جهانی شدن را یک فرآیند همه‌گیر می‌دانیم ناگفته پیداست که جنبه‌های مثبت و منفی آن به نوع رفتار و برخورد هر کشوری با این حرکت مرتبط است؛ چراکه کشورها هر یک باتوجه به توانمندی‌های درونی خود به نوعی سهمی در آن دارند.

ایران نیز بعنوان یک کشور در عرصه جهانی در این حرکت سهم بسزایی دارد. در واقع به نوعی می‌توان گفت ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و جهانی شدن، موجب تغییر در جامعه ایرانی شده است که مهمترین آنها، نگاه و درک از دیگران (غیرایرانیان)، هویت چندبعدی و در نهایت انسان مدرن است. این فرآیند بعنوان فرآیندی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ظرفیت‌ها و موقعیت‌هایی را پیش‌روی جهانیان گذاشته است که در پرتو آن تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر فزونی یافته است. در این فرآیند می‌توان نوع رابطه فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی را نه بر جدایی و تمایزپذیری فرهنگی، بلکه بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر دانست و دلایل گسترش روحیه و تمایلات جهان‌گرایانه در هویت ایرانی را در منشاء تاریخی آن یافت و جهانی شدن را صرف‌نظر از هرگونه قضاوت ارزشی، موجب تغییر در جامعه ایرانی دید.

پدیده جهانی شدن و تبعات ناشی از آن در تمامی ابعاد زندگی بشری منجر به واکنش اصحاب نظران چه در رد و چه در تأیید آن شده است. اما جهانی شدن فارغ از قضاوت ارزشی، باعث تغییراتی در جامعه ایرانی شده است. از این‌رو در شرایط کنونی ما باید با مدیریت صحیح و استفاده از عناصر فرهنگی و هویتی خود، در عصر جهانی شدن درصدد جهانی کردن آن باشیم. جهانی شدن اهمیت مرزها و دولت-ملت‌ها را به چالش کشیده است بطوریکه مفهوم سنتی دولت-ملت‌ها دیگر محلی از اعراب ندارد. امروزه باتوجه به پیشرفت شگرف در دانش فنی، اطلاع‌رسانی، ارتباطات، فناوری و تکنولوژی و تأثیرگذاری آن بر تمامی شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نمی‌توان بر مرزهای کشور حصار کشید و با نگاه ایدئولوژیک و توهم توطئه با آن رفتار کرد؛ چراکه این امر منجر به پیشی گرفتن دیگر کشورها می‌شود. بسیاری از مفاهیم نظیر منافع ملی، امنیت ملی، وفاق اجتماعی، استقلال سیاسی و هویت فرهنگی نیز دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی شده است. دانش علمی و فناوری‌های ارتباطی نیز روزبه‌روز در حال پیشرفت هستند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آزادامکی، تقی (۱۳۸۶)، **سیر فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن**، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۲- استیگلیتز، جوزف. ای (۱۳۹۳)، **نگاهی نو به جهانی شدن**، مترجم: مسعود کرباسیان، چ ۳، تهران: نشر چشمه.
- ۳- اخترمحققی، مهدی (۱۳۸۶)، **جهانی شدن**، چ ۱، تهران: انتشارات مولف.
- ۴- اشرف نظری، علی و باقری، صمد (۱۳۹۱)، «**هویت ایران در فرآیند جهانی شدن: ظرفیت‌ها و چشم‌اندازها**»، **ماهنامه مهندسی فرهنگی**، س ۶، ش ۶۵.
- ۵- بای، عبدالرضا (۱۳۹۲)، «**گفتمان جهانی شدن؛ هژمونی و تحول نظام جهانی از ژئوپلیتیک به ژئوکالچر**»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، س ۵، ش ۲۰.
- ۶- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲)، **مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و فرصت‌ها**، چ ۱، تهران: انتشارات روزنه.
- ۷- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی هویت ایرانی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۸- خور، مارتین (۱۳۸۹)، **جهانی شدن و جنوب (برخی مباحث انتقادی)**، مترجم: احمد ساعی، چ ۳، تهران: نشر قومس.
- ۹- سلیمی، حسین (۱۳۹۲)، **نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن**، چ ۴، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- ساعی، احمد (۱۳۸۷)، «**جهانی شدن و رابطه آن با فقر**»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱.
- ۱۱- صدرنوی، رامپور (۱۳۸۳)، «**دغدغه جهانی شدن**»، **مجله علوم اجتماعی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۲- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۹۰)، **جهانی شدن فرهنگ و سیاست (نقد و تحلیل نظری، معرفت‌شناختی)**، چ ۲، تهران: نشر قومس.
- ۱۳- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳)، **جهانی شدن، فرهنگ و هویت**، تهران: نشر نی.
- ۱۴- لطفی، نقی و نادمی، داوود (۱۳۸۵)، «**جهانی شدن و ایران (ارزیابی جایگاه ایران در فرآیند جهانی شدن)**»، **مجله علوم اجتماعی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد..
- ۱۵- مصطفوی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، «**جهانی شدن و فرهنگ با نگاهی به اثرات آن بر جوانان ایران اسلامی**»، **ماهنامه مهندسی فرهنگی**، س ۵، ش ۵۳.
- ۱۶- نورایی، بهرام (۱۳۸۲)، **جهانی شدن و پیامدهای آن بر ایران**، تهران: نشر نگارش علوم.

لاتین:

- 1- Ardalan, Kavous, (2009). Globalization and Culture: Four Paradigmatic Views. *International Journal of Social Economics*.
- 2- MKraidy, Marwan (2002). Globalization of Culture Through the Media, Encyclopedia of Communication and Information.
- 3- Nishikawa, Jun (2001). The North-South Relation in The Post-Cold War Period – Its Meaning for Formation of a Global Order. *WASEDA UNIVERSITY*.

